

فهرست شعرها

۱۳۲۹-۱۳۲۸

احمد شاملو

مجموعه اشعار



انتشارات انتشارات



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران - ۱۳۹۵

فهرست شعرها

آه‌ها و احساس (۱۳۲۶-۱۳۲۹)

- ۲۱ مرغ دریا
 ۲۳ برای خون و ماتیک
 ۲۸ مرثیه
 ۳۴

۲۳ (۱۳۳۰)

بدن لغت خیابان -

قطع نامه (۱۳۲۹-۱۳۳۰)

- ۴۷ تا شکوفه‌ی سُرخ یک پیراهن
 ۴۹ قصیده برای انسانز مار بهمین
 ۶۲ سرود مردی که خودش راکشته است
 ۷۰ سرود بزرگ
 ۷۷

هوای تازه (۱۳۲۶-۱۳۳۵)

- ۸۷ ۱
 ۸۷ بهار خاموش
 ۹۰ بازگشت
 ۹۴ رانده
 ۹۶ بیمار
 ۹۹ شعر گم شده

۱۷۴	شبیانه (شبیانه شعری چه گونه توان نوشت ...)
۱۷۵	شبیانه (یاران من بیاید ...)
۱۷۶	شبیانه (من سرگذشت یأس ام و امید ...)
۱۷۷	شبیانه (شب که جوی نقره‌ی مهتاب ...)
۱۷۸	شبیانه (با هزاران سوزن الماس ...)
۱۸۱	شبیانه (وه! چه شب‌های سحر سوخته / من ...)
۱۸۴	شبیانه (به شب مهتاب ...)

۵

۱۸۸	راز
۱۸۹	بارون
۱۹۵	پریا
۲۰۵	سرگذشت

۶

۲۰۷	افق روشن
۲۰۹	نگاه کن
۲۱۳	عشق عمومی
۲۱۶	به تو سلام می‌کنم ...
۲۱۸	تو را دوست می‌دارم
۲۱۹	دیگر تنها نیستم
۲۲۱	سرچشمه
۲۲۴	بهار دیگر
۲۲۷	به تو بگویم
۲۳۰	بدرود

۷

۲۳۲	از عموهای ات
۲۳۴	حریق سرد
۲۳۵	شعر ناتمام

۱۰۱	رنج دیگر
۱۰۲	دیدار واپسین
۱۰۳	شعر ناتمام

۲

۱۰۷	سفر
۱۱۰	گل کو
۱۱۲	صبر تلخ
۱۱۴	مه
۱۱۶	از زخم قلب «آبایی»
۱۲۰	بادها
۱۲۳	غبار
۱۲۵	انتظار
۱۲۶	تردید
۱۲۸	احساس
۱۳۰	خفاش شب
۱۳۳	مرگ «نازلی»
۱۳۵	نمی‌رقصانم ات چون دودی آبی رنگ ...
۱۳۸	ساعت اعدام
۱۴۰	شعری که زنده گی ست

۳

۱۴۹	طرح
۱۵۰	در رزم زنده گی
۱۵۲	مرد مجسمه
۱۵۵	لعنت
۱۵۷	دیوارها
۱۶۳	کبود
۱۶۶	مرغ باران
۱۷۳	بودن

۳۲۹	بر سنگ‌فرش
۳۳۳	کیفر
۳۳۵	ماهی
۳۳۸	کاج
۳۴۱	پُلِ اللهوردی خان
۳۴۴	شبانِه (ای خداوند! از درونِ شب ...)
۳۴۶	طرح
	۳
۳۴۷	فقر
۳۴۸	مرثیه برای مرده‌گانِ دیگر
۳۴۸	۱. اراپه‌ها
۳۵۰	۲. دو شیخ
۳۵۲	۳. جز عشق
۳۵۴	۴. اصرار
۳۵۶	۵. از نفرتی لب‌ریز
۳۵۷	۶. فریادی و ... دیگر هیچ
۳۵۸	۷. فریادی ...
۳۵۹	شبانِه (شب، تارا شب، بیدار ...)
۳۶۲	باران (آنگاه بانوی پُر غرورِ عشقِ خود را دیدم ...)
۳۶۳	نیم‌شب
۳۶۴	شبانِه (عشق، خاطره‌یِ ست ...)
۳۶۵	زندِ خفته
۳۶۶	لوح‌گور
۳۶۷	معاد
۳۶۹	باران (بر شربِ بی‌پولکِ شب ...)
۳۷۰	تا شک
۳۷۲	بر خاکِ جدی ایستادم ...
۳۷۳	کوچه
۳۷۵	دادخواست

۲۳۷	پیوند
۲۳۹	برای شما که عشقِ تان زنده‌گی ست

۸

۲۴۲	سمفونیِ تاریک
۲۴۴	آوازِ شبانه برای کوچه‌ها
۲۵۰	با سماجتِ یک الماس ...
۲۵۴	زُکسانا
۲۶۸	غزلِ آخرین انزوا
۲۷۶	غزلِ بزرگ
۲۸۷	حرفِ آخر
۲۹۳	چشمانِ تاریک
۲۹۶	سرودِ مردی که تنها به راه می‌رود
۳۰۱	از مرزِ انزوا
۳۰۵	تنها ...
۳۰۸	پُشتِ دیوار

باغ آینه (۱۳۳۶ - ۱۳۳۸)

۱

۳۱۳	خوابِ وجین‌گر
۳۱۴	مثلِ این است ...
۳۱۶	حریقِ قلعه‌یِ خاموش ...
۳۱۷	کلید
۳۱۹	اتفاق
۳۲۰	برف
۳۲۲	شب‌گیر

۲

۳۲۵	غروبِ «سیارود»
۳۲۷	در دوردست ...

۳۷۷	در بسته ...
۳۸۲	از شهر سرد ...
۳۸۵	با هم سفر
۳۸۸	باغ آینه
۳۹۱	مرثیه

۳۹۴	نبوغ
۳۹۸	شعار ناپلئون کبیر در جنگ‌های بزرگ میهنی
۳۹۹	قصه‌ی دخترای ننه دریا

لحظه‌ها و همیشه (۱۳۳۹ - ۱۳۴۰)

۴۰۹	سرود
۴۱۱	میلاد
۴۱۴	گریزان
۴۱۶	پایتخت عطش
۴۲۰	۱. آفتاب آتش بی دریغ است ...
۴۲۰	۲. کنار تو را ترک گفته‌ام ...
۴۲۲	میان ماندن و رفتن ...
۴۲۴	سخنی نیست ...
۴۲۵	حماسه!
۴۲۷	ره‌گذران
۴۲۹	کوه‌ها
۴۳۱	انگیزه‌های خاموشی
۴۳۲	غزل ناتمام ...
۴۳۴	شبانه (آن‌که دانست ...)
۴۳۵	شبانه (اکنون دیگر بار ...)
۴۳۶	من مرگ را ...
۴۳۸	وصل
۴۴۰	۱. در برابر بی‌کرانی ساکن ...
۴۴۰	

۴۴۱	۲. اینک! چشمی بی‌دریغ ...
۴۴۲	۳. در سرزمین حسرت ...
۴۴۴	۴. نه! هرگز شب را باور نکردم ...
۴۴۵	۵. شکوهی در جاتم توره می‌کشد ...
۴۴۶	شبانه (کوچه‌ها تاریکن ...)

آیدا در آینه (۱۳۴۱ - ۱۳۴۳)

۴۴۹	آغاز
۴۵۱	شبانه (میان خورشیدهای همیشه ...)
۴۵۳	من و تو، درخت و بارون ...
۴۵۵	من و تو ...
۴۵۸	از مرگ ...
۴۶۰	خفته‌گان
۴۶۱	تکرار
۴۶۴	سرود آن کس که از کوچه به خانه باز می‌گردد
۴۶۷	چهار سرود برای آیدا
۴۷۱	۱. سرود مرد سرگردان
۴۷۱	۲. سرود آشنایی
۴۷۳	۳. کدامین ابلیس ...
۴۷۴	۴. سرود برای سپاس و پرستش
۴۷۵	سرود پنجم
۴۷۶	۱. سرود پنجم سرود آشنایی‌های ژرف‌تر است ...
۴۷۶	۲. جستن‌اش را با نفرسودم ...
۴۷۸	۳. خاک را بدرودی کردم و شهر را ...
۴۷۹	۴. اکنون من و او دوباره‌ی یک واقعیت‌ایم ...
۴۸۱	۵. غزل درود و بدرود
۴۸۲	۶. باری، خشم خواننده از آن رو ست که ...
۴۸۳	۷. به یک جمجمه
۴۸۴	۸. من محکوم شکنجه‌ی مضاعف‌ام ...
۴۸۷	۹. در به درتر از باد زبستم ...
۴۸۹	۱۰. برویم ای یار، ای یگانه‌ی من! ...
۴۹۰	

- ۴۹۲ ۱۱. اکنون رخت به سراچه‌ی آسمانی دیگر خواهم کشید ...
 ۴۹۳ ۱۲. این است عطر خاکستری هوا ...
 ۴۹۵ آیدا در آینه
 ۴۹۹ میعاد
 ۵۰۱ جاده‌ی آن سوی پُل

آیدا: درخت و خنجر و خاطره (۱۳۴۳-۱۳۴۴)

- ۵۰۵ شبانه
 ۵۰۷
 ۵۰۷ ۱. قصدم آزار شماست! ...
 ۵۱۰ ۲. دوست‌اش می‌دارم ...
 ۵۱۴ ۳. دریغ‌دردی سرسبز و گردوی پیر، ...
 ۵۱۷ ۴. عصر عظمت‌های غول‌آسای عمارت‌ها ...
 ۵۲۳ ۵. و شما که به سالیانی چنین دوردست ...
 ۵۲۶ ۶. دریغ‌انسان ...
 ۵۳۱ ۷. ما شکیبا بودیم ...
 ۵۳۳ ۸. اندکی بدی در نهاد تو ...
 ۵۳۴ ۹. مرگ را دیده‌ام من ...
 ۵۳۸ ۱۰. رود / قصیده‌ی بامدادی را ...
 ۵۴۲ و تباهی آغاز یافت ...
 ۵۴۴ شبانه (با گیاه بیابان‌ام ...)
 ۵۴۸ غزلی در نتوانستن
 ۵۵۰ سرود آن که برفت و آن کس که برجای ماند
 ۵۶۴ از مرگ من سخن گفتم
 ۵۷۰ در جدال آینه و تصویر
 ۵۷۰ ۱. دبری با من سخن به‌درشتی گفته‌اید ...
 ۵۷۲ ۲. زمین به هیأت داستان انسان درآمد ...
 ۵۷۴ ۳. خو کرده‌اید و دیگر / راهی به جز این‌تان نیست ...
 ۵۷۶ ۴. آن‌جا که عشق / غزل نیست ...
 ۵۷۸ لوح
 ۵۸۸ شکاف
 ۵۹۰ از قفس

لقنوس در باران (۱۳۴۴-۱۳۴۵)

- ۵۹۱ سفر
 ۵۹۳ سه سرود برای آفتاب
 ۶۰۱ ۱. شبانه (اعترافی طولانی ست شب ...)
 ۶۰۱ ۲. چلیچلی
 ۶۰۸ ۳. پس آواره‌یی چالاک ...
 ۶۱۱ رود
 ۶۱۲ مرگ ناصری
 ۶۱۵ نقش
 ۶۱۶ چه راه دور ...
 ۶۱۷ مرثیه
 ۶۲۰ اسباب
 ۶۲۲ مجله‌ی کوچک
 ۶۲۲ ۱. آه، تو می‌دانی ...
 ۶۲۳ ۲. دوره‌های مجله‌ی کوچک ...
 ۶۲۵ ۳. به هنگامی که هم‌جنس‌باز و قصاب ...
 ۶۲۷ ۴. صبح پاییزی ...
 ۶۲۸ ۵. ماندن به ناگزیر و ...
 ۶۳۰ ۶. در پس دیوار باغ ...
 ۶۳۱ چشم‌اندازی دیگر ...
 ۶۳۳ Postumus
 ۶۳۳ ۱. سنگ / برای سنگر ...
 ۶۳۶ ۲. از بیم‌ها پناهی جستم ...
 ۶۴۰ ۳. بی‌خیالی و بی‌خبری ...
 ۶۴۳ پاییز
 ۶۴۵ **مرثیه‌های خاک (۱۳۴۵-۱۳۴۸)**
 ۶۴۷ شعر، رهایی ست ...
 ۶۴۹ مرثیه
 ۶۵۱ شبانه (پچپچه را / از آن گونه ...)

۷۱۹	شبهانه (مردی چنگ در آسمان افکند ...)
۷۲۰	تابستان
۷۲۱	شبهانه (کلید بزرگتر نقره ...)
۷۲۲	شبهانه (مرا / تو ای سببی ایستی ...)
۷۲۴	تعویذ
۷۲۶	سرود ابراهیم در آتش
۷۳۱	غریبانه
۷۳۴	ترانه‌ی تاریک
۷۳۶	واپسین تیر ترکش، آن چنان که می‌گویند.
۷۳۸	بر سرمای درون
۷۴۰	از این‌گونه مُردن ...
۷۴۲	محاق
۷۴۳	درآمیختن
۷۴۵	اشارتی
۷۴۸	مجال
۷۵۰	میلاذ آن‌که عاشقانه بر خاک مُرد
۷۵۰	۱. نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می‌گسترند ...
۷۵۱	۲. انکار عشق را ...
۷۵۲	۳. نگاه کن / چه فروتنانه بر درگام نجابت ...
۷۵۳	دشنه در دیس (۱۳۵۰ - ۱۳۵۶)
۷۵۵	ضیافت
۷۷۱	شبهانه (یله، بر نازکای چمن ...)
۷۷۳	در شب ...
۷۷۵	گفتی که باد مُرده ست ...
۷۷۸	فراقی
۷۸۰	شبهانه (شانهات مُجابام می‌کند ...)
۷۸۱	زبان دیگر
۷۸۳	هنوز در فکر آن کلاغام ...
۷۸۵	خطابه‌ی تدفین

۶۵۳	با چشم‌ها ...
۶۵۹	شام‌گاهی
۶۶۱	هملت
۶۶۵	و حسرتی
۶۶۵	۱. نه / این برف را دیگر ...
۶۶۷	۲. کجایی؟ بشنوا بشنوا ...
۶۶۸	۳. من ام، آری من ام ...
۶۷۰	۴. باخشم و جدل زستم ...
۶۷۲	۵. من درد بوده‌ام همه ...
۶۷۵	۶. نفس خشم آگین مرا ...
۶۷۶	تمثیل
۶۷۸	حکایت
۶۸۱	در آستانه (نگر / تا به چشم زرد خورشید اندر / نظرا نکتی ...)
۶۸۵	شگفتن در مه (۱۳۴۸ - ۱۳۴۹)
۶۸۷	نامه
۶۹۱	که زندان مرا بارو مباد ...
۶۹۳	عقوبت
۶۹۷	صبوچی
۶۹۹	رستگاران
۷۰۱	فصل دیگر
۷۰۴	سرود برای مرد روشن که به سایه رفت
۷۰۷	پدران و فرزندان
۷۰۹	ابراهیم در آتش (۱۳۴۹ - ۱۳۵۲)
۷۱۱	شبهانه (در نیست / راه نیست ...)
۷۱۳	شبهانه (اگر که بیهوده زیبا ست شب ...)
۷۱۵	نشانه
۷۱۶	برخاستن
۷۱۸	در میدان

۸۴۳	مدایح بی صله (اشعار تا سال ۱۳۶۹)
۸۴۵	روزنامه‌ی انقلابی
۸۴۶	و چون نوبت. ملاحان ...
۸۴۷	میان کتاب‌ها گشتم ...
۸۴۸	خواب‌آلوده هنوز ...
۸۵۰	من هم دست. توده‌ام ...
۸۵۱	پیغام
۸۶۶	جهان را که آفرید؟
۸۶۹	نمی‌توانم زیبا نباشم ...
۸۷۱	نمی‌خواستم ...
۸۷۲	در جدال. با خاموشی
۸۷۲	۱. من بامدادم سرانجام ...
۸۷۷	۲. در بیمارستانی که بستر من ...
۸۸۰	اندیشیدن...
۸۸۱	سحر به بانگ زحمت و جنون ...
۸۸۲	جخ امروز از مادر نزاده‌ام ...
۸۸۵	تو باعث شده‌ای...
۸۸۶	دست زی دست نمی‌رسد ...
۸۸۷	همیشه همان ...
۸۹۰	سلاخی می‌گریست ...
۸۹۱	پس آن‌گاه زمین ...
۸۹۶	شبهانه (به فریادی خراشنده ...)
۸۹۸	این صدا دیگر ...
۹۰۰	بُهتان مگوی ...
۹۰۱	غم‌ام مدد نکرد ...
۹۰۵	با «برونی یفسکی»
۹۰۷	کریه اکنون ...
۹۰۸	سپیده‌دم
۹۰۹	کویری
۹۱۱	کجا بود آن جهان ...

۷۸۷	شکاف
۷۸۹	سیمیزی
۷۹۰	سپیده‌دم
۷۹۱	ترانه‌ی آبی
۷۹۳	از منظر
۷۹۵	باران
۷۹۷	شبهانه (زیباترین تماشا است ...)
۷۹۹	ترانه‌ی بزرگ‌ترین آرزو
۸۰۱	پریدن
۸۰۳	ترانه‌های کوچک و غرابت (۱۳۵۶ - ۱۳۵۹)
۸۰۵	بچه‌های اعماق
۸۰۷	مترسک
۸۰۹	هجراتی (چه هنگام می‌زیسته‌ام؟ ...)
۸۱۱	هجراتی (تلخ، چون قرابه‌ی زهری ...)
۸۱۳	هجراتی (کهایم و کجاییم؟ ...)
۸۱۴	هجراتی (جهان را بنگر، سراسر ...)
۸۱۶	هجراتی (غم این‌جانه، که آن‌جاست ...)
۸۱۷	ترانه‌ی کوچک
۸۱۸	آخر بازی
۸۲۰	هجراتی (سین. هفتم، سیب. سُرخ‌ی ست ...)
۸۲۲	صبح
۸۲۴	در این بُن‌بست
۸۲۶	عاشقانه (آن‌که می‌گوید دوستان می‌دارم ...)
۸۲۸	ترانه‌ی هم‌سفران
۸۲۹	خطابه‌ی آسان، در امید
۸۳۴	شبهانه (نه / تو را برتراشیده‌ام ...)
۸۳۶	رستاخیز
۸۳۷	در لحظه
۸۳۸	عاشقانه (بیتوته‌ی کوتاهی ست جهان ...)
۸۴۱	شبهانه (گوی / همیشه چنین است ...)

۹۶۷	ظلمات مطلق نابینایی
۹۶۸	حجم قیرین نه در کجایی ...
۹۶۹	در پیچیده به خویش ...
۹۷۰	طبیعت بی جان
۹۷۱	در آستانه (باید استاد و فرود آمد ...)
۹۷۶	خلاصه‌ی احوال
۹۷۷	آن روز در این وادی ...
۹۷۸	خاطره
۹۷۹	بر کدام جنازه زار می زند ...؟
۹۸۰	ما نیز ...
۹۸۲	قناری گفت ...
۹۸۳	نه عادلانه نه زیبا بود ...
۹۸۴	آن روی دیگری ...
۹۸۵	یکی کودک بودن ...
۹۸۶	ترانه
۹۸۷	سفر شهود
۹۹۲	قفس قفس این قفس ...
۹۹۴	جوشان از خشم ...
۹۹۵	بوسه
۹۹۷	گدایان بیابانی
۹۹۸	ببر
۱۰۰۰	طرح‌های زمستانی
۱۰۰۰	۱. چرک مرده گی. پُرجوش و جنجال کلاغان و ...
۱۰۰۱	۲. آسمان / بی گذر از شفق ...
۱۰۰۲	طرح بارانی
۱۰۰۴	میلاذ
۱۰۰۵	قصه‌ی مردی که لب نداشت

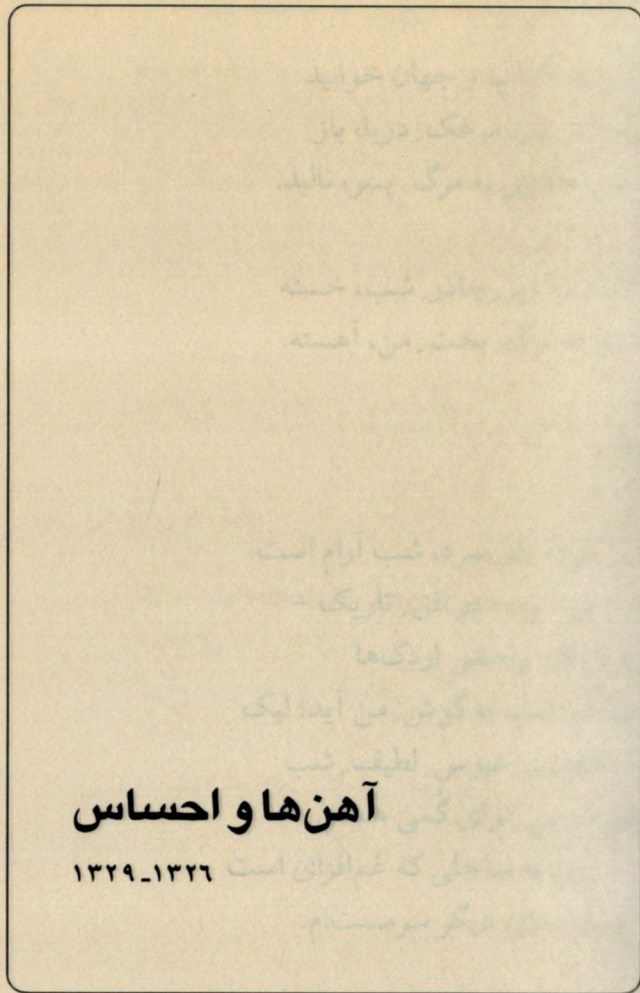
حدیث بی‌قواری ماهان (۱۳۵۱-۱۳۷۸)

۱۰۱۷	سراسر روز ...
۱۰۱۹	نوروز در زمستان
۱۰۲۰	

۹۱۴	بوتیمار
۹۱۵	ترانه‌ی اشک و آفتاب
۹۱۶	پسوده‌ترین کلام است دوست داشتن ...
۹۱۷	تنها اگر دمی ...
۹۱۸	مردر مصلوب ...
۹۲۶	جاننی پُر از زخم ...
۹۲۷	شب غوک
۹۲۸	ترجمان فاجعه
۹۳۰	در کوچه‌ی آشتی کُنان
۹۳۲	سرود قدیمی قحط‌سالی
۹۳۴	ترانه‌ی اندوه‌بار سه حماسه
۹۳۶	شبانه (کی بود و چه گونه بود ...)
۹۳۸	دوستات می دارم ...
۹۳۹	سرود آواره‌گان
۹۴۱	نلسن مانده‌لا
۹۴۲	یک مایه در دو مقام
۹۴۲	۱. دل‌ام کُچک زده، آه ...
۹۴۵	۲. غریب‌ی رعدآسا ...
۹۴۶	پرتوی که می تابد از کجا ست ...؟
۹۴۸	حوای دیگر
۹۵۰	ای کاش آب بودم ...
۹۵۲	نک‌نک ناگزیر را بر مِشمار ...
۹۵۴	توازی رد ممتد ...
۹۵۶	چشم‌های دیوار ...
۹۵۷	شیهه و سُم ضربه ...
۹۵۸	پاییز سن هوزه

در آستانه (۱۳۶۴-۱۳۷۶)

۹۶۱	حکایت
۹۶۳	هاسمیک
۹۶۵	



آهن‌ها و احساس

۱۳۲۶-۱۳۲۹

- ۱۰۲۲ می دانستند دندان برای ...
- ۱۰۲۳ از خود با خویش
- ۱۰۲۸ آشتی
- ۱۰۳۱ غرش، خام، تندرهای پوده ...
- ۱۰۳۳ زنان و مردان، سوزان ...
- ۱۰۳۴ ما فریاد می‌زدیم «چراغ! چراغ!» ...
- ۱۰۳۵ The Day After
- ۱۰۳۶ سرود ششم
- ۱۰۳۸ شب بیداران
- ۱۰۴۰ شبانه (بی‌آرزو چه می‌کئی ای دوست؟ ...)
- ۱۰۴۲ شرقا شرق، شادبانه ...
- ۱۰۴۲ نگران، / آن دو چشمان است ...
- ۱۰۴۴ با تخلص، خونین، بامداد
- ۱۰۴۶ چاه، شغاد را مانده ...
- ۱۰۴۷ چون فوران، فحل مست، آتش ...
- ۱۰۴۸ نخستین که در جهان دیدم ...
- ۱۰۵۰ نخستین / از غلظه‌ی پنی‌رک و ...
- ۱۰۵۳ کژ مز و بی‌انتهای ...

یادداشت‌ها و توضیحات

نمایه‌ها

- ۱۰۸۷ نمایه‌ی الفبایی، نام مجموعه‌ها
- ۱۰۸۹ نمایه‌ی الفبایی، نام شعرها
- ۱۰۹۰ نمایه‌ی الفبایی، سطر اول، شعرها
- ۱۱۰۴

مرغ دریا

خواهید آفتاب و جهان خوابید
از برجِ فار، مرغکِ دریا، باز
چون مادری به مرگِ پسر، نالید.

گرید به زیرِ چادرِ شب، خسته
دریا به مرگِ بختِ من، آهسته.

سر کرده بادِ سرد، شب آرام است.
از تیره آب - در افقِ تاریک -
با قارقارِ وحشی اردک‌ها
آهنگِ شب به گوشِ من آید؛ لیک
در ظلمتِ عبوسِ لطیفِ شب
من در پیِ نوای گمی هستم.
زین رو، به ساحلی که غم‌افزای است
از نغمه‌های دیگر سرمست‌ام.

□

می‌گیردم ز زمزمه‌ی تو، دل.
دریا! خموش باش دگر!

دریا،

با نوحه‌های زیر لبی، امشب
خون می‌کنی مرا به جگر...

دریا!

خاموش باش! من ز تو بیزارم
وز آه‌های سرد شبان‌گاه‌ات
وز حمله‌های موج کف آلودت
وز موج‌های تیره‌ی جان‌گاه‌ات...

□

ای دیده‌ی دریده‌ی سبز، سرد!
شب‌های مه‌گرفته‌ی دم‌کرده،
ارواح دورمانده‌ی مغروقین
با جثه‌ی کبود، ورم‌کرده
بر سطح موج‌دار، تو می‌رقصند...

با ناله‌های مرغ حزین، شب

این رقص مرگ، وحشی و جان‌فرساست
از لرزه‌های خسته‌ی این ارواح
عصیان و سرکشی و غضب پیداست.

ناشادمان به شادی محکوم‌اند.

بیزار و بی‌اراده و زُخ درهم

یک‌ریز می‌کشند ز دل فریاد

یک‌ریز می‌زنند دو کف بر هم:

لیکن ز چشم، نفرت‌شان پیداست
از نغمه‌های‌شان غم و کین ریزد
رقص و نشاط‌شان همه در خاطر
جای طرب عذاب برانگیزد.

با چهره‌های گریان می‌خندند،

وین خنده‌های شکلک‌ناپینا

بر چهره‌های ماتم‌شان نقش است

چون چهره‌ی جذامی، وحشت‌زا.

خندند مسخ‌گشته و گیج و منگ،

مانند مادری که به امر خان

بر نعش چاک‌چاک پسر خندد

ساید ولی به دندان‌ها، دندان!